

## **Exploring the concept of death in a selection of translated works of children's literature: A case study of six illustrated storybooks**

**Fateme Namjoo<sup>\*</sup>, Sara Asadpour<sup>\*\*</sup>**

**Morad Yari Dehnavi<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

the present study examined the concept of death in Western child literature translated in Iran. The stories studied in this study were selected from six illustrated story books suitable for age groups B and C (elementary school children). The books were selected in consultation with experts in children's literature. Besides, a qualitative content analysis method was used to examine the texts of the stories and identify the images and themes in the stories using reflective analysis. The concept of death in the selected stories is divided into three categories: The Biological category, which includes the physiological concept of the issue of death and includes sub-categories such as irreversibility, causes of death, and so on. The emotional category includes sub-categories such as the unpleasantness of death, fear of death, etc., and the metaphysical category, which includes sub-categories such as agony, belief in the world after death, etc. Then the alignment or non-alignment of the categories with the Holy Quran was examined by reference to the verses and with the help of the interpretive analysis method. The results showed that most of the stories have addressed the concept of death

\* Master's degree in History and philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran, Fatemehnamjoo83@gmail.com

\*\* Assistant Professor of Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar Kerman University, Kerman, Iran (Corresponding Author), sasadpour@uk.ac.ir

\*\*\* Associate Professor of Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar Kerman University, Kerman, Iran, myaridehnavi@uk.ac.ir

Date received: 30/01/2023, Date of acceptance: 08/06/2023



in the biological and emotional categories of death and they have paid less attention to the metaphysical aspects of this concept. The metaphysical category refers to the concept of death and has the least alignment.

**Keywords:** Concept of death, Death Thinking Education, Child, Child Literature, illustrated Story Books.



## بررسی مفهوم مرگ در گزیده‌های از آثار ترجمه شده ادبیات کودک (مطالعه موردی شش کتاب داستانی-تصویری)

فاطمه نامجو\*

سارا اسدپور\*\*، مراد یاری دهنوی\*\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی مفهوم مرگ در کتاب‌های ترجمه شده ادبیات کودک در ایران می‌پردازد. داستان‌های مورد بررسی در این پژوهش شامل شش کتاب داستانی-تصویری مناسب برای گروه سنی ب و ج (دوره دبستان) است که با مشورت تعدادی از متخصصان ادبیات کودک انتخاب شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است که به تحلیل متن داستان می‌پردازد و سپس با بهره‌گیری از تحلیل تأملی، تصاویر و درونمایه داستان‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. براساس یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت مفهوم مرگ در این داستان‌های منتخب را می‌توان در سه مقوله بعد زیست‌شناختی مرگ، بعد عاطفی مرگ و بعد متافیزیکی مرگ، بازشناسی کرد. این مقوله‌های اصلی، از تقلیل و ترکیب ۱۳ مقوله فرعی یافت شده از متن داستان‌ها و تصاویر آنها به دست آمده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بیشتر داستان‌ها، به ابعاد زیست‌شناختی و عاطفی ناظر به مرگ پرداخته‌اند و کمتر به مقوله متافیزیکی ناظر به مفهوم مرگ توجه داشته‌اند.

\* کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم تربیت، بخش علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید

باهنر کرمان، کرمان، ایران، Fatemehnamjoo83@gmail.com

\*\* استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، بخش علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان،

کرمان، ایران (نویسنده مسئول)، sasadpour@uk.ac.ir

\*\*\* دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، بخش علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان،

کرمان، ایران، myaridehnavi@uk.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۸



**کلیدواژه‌ها:** مفهوم مرگ، آموزش مرگان‌دیشی، کودک، ادبیات کودک، کتاب‌های داستانی-تصویری.

## ۱. مقدمه

مرگان‌دیشی تاریخچه‌ای به قدمت تاریخ بشری دارد. تلاش برای جاودانگی و ترس از مرگ و نیستی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشر است. مرگ رخدادی حتمی در زندگی آدمی است، که هر انسانی روزی با آن مواجه خواهد شد «مرگ مهم‌ترین حادثه‌ای است که در زندگی بشر رخ می‌دهد از این رو، انسان از آغاز خلقت به آن اندیشیده است» (خرسندی، بهنام‌فر، مهدوی، ۱۳۹۲: ۲). حتی معنای خود زندگی می‌تواند در پس معنا و اندیشه‌ای باشد که فرد نسبت به مرگ دارد. مرموز بودن مرگ و عدم تجربه پذیری آن و در نتیجه ترس از مرگ هم ناشی از نگرش نسبت به موضوع مرگ است. اهمیت موضوع مرگ در این است که نوع موضع‌گیری نسبت به آن، آثار و پیامدهای متفاوتی بر زندگی بشر دارد و بی‌تفاوتی نسبت به آن می‌تواند جوامع بشری را از هدف اصلی زندگی دور کند (عسکری یزدی، ۱۳۹۷: ۲۶).

مرگ مفهوم بسیار پیچیده‌ای است که اغلب با درد ورنج همراه است و در هندسه حیات ما، از پدیده‌های انکارناپذیر و مرموزی محسوب می‌شود که گاه مورد پرسش است؛ گاه حقیقت آن انکار می‌شود؛ زمانی ترس‌آور است و زمانی مورد تمنا و آرزو. هم‌چنین وجود مباحث فلسفی، تمایزهای توصیفی و گسترده‌گی طیفی که در بیان‌ها وجود دارد، شناخت مفهوم مرگ را پیچیده و سخت کرده است (لاریجانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸).

نگاه فرد به مرگ نقش بسزایی در تعالی و هم‌چنین شکل‌گیری شخصیت فرد خواهد داشت. مهم است که مرگ به شکل درست و مطابق با فرهنگ و اعتقادات جامعه آموزش داده شود. با توجه به اهمیت موضوع مرگ و معنابخشی به زندگی اهمیت آموزش و داشتن درک درست نسبت به آن مشخص می‌شود. علاوه بر بزرگسالان، کودکان نیز به مرگ می‌اندیشند؛ و هر چه بخواهیم این موضوع را مورد غفلت قرار داده و از پرداختن به آن شانه خالی کنیم باز کودک از طریق رسانه‌ها، مواجهه با مرگ عزیزان و شرکت در مراسم سوگواری خواسته یا ناخواسته با مفهوم مرگ رو به رو می‌شود و سوالاتی ذهن او را درگیر می‌کند.

گاهی والدین و مربیان با طفره رفتن قصد کمک به کودک را دارند، اما با این کار نه تنها به کودک کمک نمی‌کنند بلکه تکامل عاطفی و شناختی او را به تأخیر می‌اندازند (نثاری، ۱۳۸۹: ۱۸). باید توجه داشت کودک بدون کمک بزرگسال قادر به درک درست از مفهوم مرگ نیست

بررسی مفهوم مرگ در گزیده‌ای از آثار ترجمه شده ... (فاطمه نامجو و دیگران) ۳۰۷

هم‌چنین برای شناخت کودک از مرگ باید آن را با زبانی که برای او قابل درک باشد به او شناساند. استفاده از داستان و قصه‌گویی یکی از روش‌های مناسب برای آشنایی و شناخت پدیده مرگ است. کودک با شنیدن داستان، خود را به جای شخصیت‌ها قرار داده، در دنیای خیال خود غرق می‌شود و داستان را بخشی از وجود خود می‌کند. در پس هر داستان فلسفه‌ای است که کودک آن را نمی‌شناسد ولی در ناخودآگاه او این فلسفه که در برگیرنده اندیشه و تفکر نویسنده آن است شکل گرفته و بر شخصیت و نحوه شکل‌گیری او از موضوع، اثر می‌گذارد. در واقع «نگاهی که در رابطه با حقیقت مرگ که از طریق داستان به کودک القا می‌شود در نوع و کیفیت زندگی آن‌ها و در واقع در جهان بینی آن‌ها نسبت به زندگی و مرگ بسیار موثر خواهد بود» (جامه‌بزرگی و مینایی، ۱۳۹۷: ۷۴). نکته قابل توجه دیگر این است که هر جامعه‌ای مرگ را متناسب با فرهنگ و مذهب جامعه خود درک می‌کند بنابراین به این امر باید توجه داشت که داستان‌های ترجمه شده از جمله داستان‌هایی باشند که در مغایرت با فرهنگ و جامعه قرار نگیرد و فرد را دچار دوگانگی نکند. با توجه به اهمیت این مسئله، این پژوهش به دنبال آن است با تحلیل کتاب‌های داستان ترجمه شده ادبیات کودک (به ویژه کودکان دبستانی که شامل رده سنی ب و ج می‌شوند) که در رابطه با مسأله مرگ نوشته شده‌اند تحلیل کند و به بررسی مفاهیمی که از این طریق به کودک آموزش داده می‌شود بپردازد. بنابراین سوال اصلی این پژوهش این است که مرگ در مجموعه کتاب‌های ترجمه شده ادبیات کودک در ایران چگونه توصیف شده است؟

## ۲. روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی برای تحلیل متن کتاب‌ها استفاده شده است. این روش شامل شکستن داده‌ها به واحدهای کوچکتر، کدگذاری و نام‌گذاری واحدها بر طبق محتوایی است که آن‌ها را بازنمایی می‌کند. این روش تا حد زیادی روی موضوع تمرکز دارد و بر اختلاف و شباهت‌های بین و داخل کدها و طبقات تاکید می‌کند. مشخصه دیگر این روش این است که علاوه بر محتوای آشکار با محتوای پنهان در متن نیز سرو کار دارد (مهرداد و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴) برای تحلیل تصاویر کتاب‌ها از تحلیل محتوای تأملی استفاده شده است. این روش «تحلیل فکری فرآیندی است که در آن پژوهشگر بر توانایی شهودی و قوه‌ی تشخیص خود برای به تصویر کشیدن یا ارزیابی پدیده‌های مورد پژوهش تکیه می‌کند» (گال و همکاران، به نقل از شیروانی، بختیار نصرآبادی، حیدری، ۱۳۹۳) نمونه مورد نظر در این پژوهش

که به صورت هدفمند و با نظر متخصصان حوزه ادبیات کودک انتخاب شده است شامل شش کتابی است که در جدول زیر مشخصات آنها آمده است.

جدول ۱. کتاب‌های داستان تحلیل شده با مضمون مرگ

نام کتاب	نویسنده / نویسندگان	مترجم / مترجمان	انتشارات	سال نشر	گروه سنی
مرگ یک دایناسور	لوری کرزنی و مارک براون،	هایده کروی	نردبان	۱۳۹۶	ب
مرگ بالای درخت سیب	کاترین شارر	پروانه عروج نیا	فاطمی	۱۳۹۶	ب و ج
اردک، مرگ و گل لاله	ولف البروخ	مهسامحمدحسینی وفرزانه شهرتاش	شهرتاش	۱۳۹۷	ج
پدربزرگ لسه میمیرد	آناکارین یولیوس	نسرین وکیلی	مرکز نشر صدا	۱۳۸۵	ب و ج
خداحافظ راکون پیر	کلر ژوبرت	حسین بکایی	کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	۱۳۸۸	ب و ج
من مرگ هستم	الیزابت هالاند لارسن	الهه قوامی مقدم	هویا	۱۳۹۹	ب

### ۳. پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش‌های متعددی در زمینه بررسی ابعاد مرگ در محتوای کتابهای داستان و همچنین راهکارهای آموزش مفهوم مرگ به کودکان صورت گرفته است که در ذیل به ترتیب به برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی که در این زمینه صورت گرفته است می‌پردازیم:

مرادی و چالاک (۱۳۹۹) به بررسی «نقش تصاویر هنری در مواجهه منطقی مخاطب نوجوان با مفهوم مرگ براساس الگوی ساختارهای نظام تخیل از منظر ژیلبر دوران (نمونه موردی رمان آنسوی دریای مردگان)» پرداختند که نتایج نشانگر آن است که نویسنده بیشترین استفاده را از تخیلات معمول داشته است و صورت‌های حیوانی، تاریکی و سقوط به ترتیب بیشترین انعکاس را دارند. جامه بزرگی و مینایی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «مقایسه مفهوم مرگ در متون داستانی فلسفه برای کودکان و دیدگاه علامه طباطبایی» به این نتیجه رسیده است که مفهوم مرگ در داستان‌های فلسفی برای کودکان به دلیل عدم توضیحات روشن باعث سردرگمی و

به هم‌ریختگی آرامش روانی کودکان است و تنها به جنبه زیست‌شناختی آن پرداخته است. اما مفهوم مرگ در اسلام دارای توضیح و توصیف‌های عمیق و دقت نظر و فهم روشن و متقن در تبیین این موضوع به مخاطب است. عشوری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «آموزش مفهوم مرگ به کودکان با تکیه بر قرآن و روایات اسلامی» به این نتیجه رسیده است که آموزش مرگ برای سنین قبل از دبستان در مرحله اول باید به صورت طفره رفتن و بسط مفاهیم مربوط به مرگ باشد و در مراحل بعد، از روش‌های تشبیه، مشاهده چرخه حیات در طبیعت و قصه‌گویی باشد. غباری بناب و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «ادراک مفهوم مرگ در خانواده و آموزش مقابله‌های کارآمد به کودکان با رویکرد اخلاقی» به این نتیجه رسیده است که کودکان اطلاعات اندکی درباره مرگ و روش‌های مقابله با آن دارند اما می‌توان این دو مقوله را به کودکان آموزش داد از جمله روش‌های آموزش مفهوم مرگ به کودکان از روش هنردرمانی شامل جعبه خاطرات، صداها، موزون و داستان‌های مناسب با رشد و تحول کودک هم‌چنین داستان‌های معنوی و قرآنی می‌تواند در آموزش مفهوم مرگ و کمک به کودکان برای تخلیه هیجانی بسیار مناسب باشد. صدیقی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «کودک، داستان کودک و مواجهه با مفهوم مرگ تحلیل داستان ساداگو و هزار درنای کاغذی بر پایه نظریه کوبلراس» به این نتیجه رسیده است که این داستان که جنبه واقع‌گرا دارد، با پنج مرحله معرفی شده توسط کوبلراس که شامل انکار، خشم، چانه زدن، افسردگی و پذیرش است کاملاً مطابقت داشته در ضمن می‌تواند برای آموزش مفهوم مرگ به کودکان و نوجوانان هم‌چنین کمک به آن‌ها برای غلبه بر ترس از مرگ بسیار موثر باشد.

ارودا کلی، ویور و واینر (۲۰۱۷) (Arruda-Colli, Weaver, Wiener) به تحلیل دویست و ده کتاب داستان کودک در مورد مرگ که در فاصله سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۹۵ به سه زبان انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی چاپ شده بودند پرداختند و نتایج تحلیل نشان داد که اکثر سوره‌های در حال مرگ در این کتاب‌ها پدر بزرگ یا مادر بزرگ و سپس حیوانات خانگی بودند، کتاب‌های مربوط به تجربه یک کودک در حال مرگ کمیاب بود، اکثر کتاب‌ها شامل حیوانات یا موضوعات سفیدپوستی و شامل عناصر معنوی مانند بهشت بودند. کمتر از یک چهارم کتاب‌ها شامل ابزارهایی برای خوانندگان برای پرداختن به موضوع مرگ بودند. کرپیا، کرپیا و تسیلینگری (۲۰۱۷) (Krepia, Krepia, Tsilingiri) در پژوهشی تحت عنوان «درک کودکان مدرسه‌ای از مفهوم مرگ» به این نتیجه رسیدند که درک کودکان از این مفهوم در درجه اول به سن کودک و سپس رشد شناختی، جنسیت، خانواده، مذهب، مدرسه، رسانه‌های جمعی،

فرهنگ، عوامل عاطفی و تجربیات مرگ بستگی دارد. بنابراین، والدین باید در مورد مرگ با فرزندان خود گفتگو کنند تا به آنها کمک کنند تا درک کاملی از این موضوع به دست آورند. همچنین معلمان در مدرسه باید کودکان را در زمینه مسائل مربوط به مرگ آموزش دهند و نسبت به خانواده در درک بهتر کودکان از همه ابعاد پدیده مرگ مسئولیت بیشتری دارند. فولینگ و هاپ (۲۰۰۸) (Poling&hupp) سه بعد اطلاعات مربوط به مرگ (بازگشت ناپذیری، اجتناب ناپذیری، غیرکارکردی) را در ۲۴ کتاب تصویری کودکان خردسال و ۱۶ کتاب داستان کودکان بزرگتر مقایسه کردند. در کتاب‌های کودکان با مضمون مرگ، تمرکز اولیه بر جنبه‌های عاطفی مرگ و سوگواری بود. حقایق بیولوژیکی بیشتر در کتاب‌های مصور ظاهر می‌شوند تا در کتاب‌های داستان.

با بررسی تحقیقات پیشین در می‌یابیم که با توجه به این که کتاب‌های داستانی بسیاری به-ویژه در غرب از نظر مفهوم مرگ مورد تحلیل قرار گرفته‌اند اما تاکنون پژوهشی در رابطه با تحلیل کتاب‌های ترجمه شده ادبیات کودک با مضمون مرگ در ایران صورت نگرفته است که در این پژوهش به بررسی گزیده‌ای از این کتاب‌ها و همسویی یا عدم همسویی آنها با فرهنگ جامعه ایرانی می‌پردازد.

#### ۴. یافته‌ها

رویکرد و مبنای اساسی این پژوهش، بازشناسی چگونگی توصیف مفهوم مرگ در گزیده‌ای از کتاب‌های ادبیات کودک ترجمه شده در ایران است. برای این اساس، با نظر به روش تحلیل محتوای کیفی - استقرایی، مضامین ناظر به مفهوم مرگ در شش کتاب داستانی - تصویری شناسایی شده‌اند. در گام نخست، همه جملات اساسی ناظر به مفهوم مرگ در این کتاب‌ها شناسایی شدند و در گام بعد، براساس اصل تفاوت و تشابه معنایی، این جملات در مقوله‌های فرعی ساماندهی شدند. در نهایت، در سطح انتزاع بالاتری، براساس تفاوت‌ها و تشابه‌های معنایی، این مقوله‌های فرعی در سه مقوله اصلی، قرار گرفتند. این مقوله‌های سه گانه ناظر به ابعاد زیست‌شناختی، عاطفی و متافیزیکی مفهوم مرگ می‌باشند. در ادامه، نمونه جملاتی از کتب تحلیل شده، مقولات فرعی و اصلی ناظر به مفهوم مرگ، بیان می‌شوند:



بررسی مفهوم مرگ در گزیده‌ای از آثار ترجمه شده ... (فاطمه نامجو و دیگران) ۳۱۱

جدول ۲. مولفه‌های زیست‌شناختی مفهوم مرگ در کتاب‌های داستان ترجمه شده

مقاله اصلی	مقاله فرعی	مثال
زیست‌شناختی	قطعیّت مرگ	<p>هر موجود زنده ای زمانی زندگی می‌کند مدتی زنده می‌ماند و بالاخره زندگی او تمام می‌شود یعنی می‌میرد(مرگ یک دایناسور، ۱۳۹۶: ۴).</p> <p>نه، حالا نه! بگذار کمی دیگر زندگی کنم!" مرگ سرش را با تاسف تکان می‌دهد(مرگ بالای درخت سیب، ۱۳۹۷: ۱۸).</p> <p>وقتی اردک از نظر ناپدید شد او هم کمی متاثر شد. مرگ فکر کرد اما زندگی همین است(اردک، مرگ و گل لاله، ۱۳۹۷: ۳۰).</p> <p>بدن آدم که همیشه زنده نمی‌ماند. بدن آدم فرسوده می‌شود و دیگر نمی‌تواند کار کند(پدر بزرگ لسه می‌میرد، ۱۳۸۴: ۱۳).</p> <p>مرگ: اما هیچ کس را یارای پنهان شدن از من نیست(من مرگ هستم، ۱۳۹۹: ۱۵).</p>
	دلایل مرگ	<p>بعضی‌ها جان خود را بر اثر خشونت از دست می‌دهند و همدیگر را می‌کشند مثل زمانی که جنگ است(مرگ یک دایناسور، ۱۳۹۶: ۸).</p> <p>روزی همسر روباه سخت بیمار می‌شود و می‌میرد(مرگ بالای درخت سیب، ۱۳۹۷: ۲۴).</p> <p>زندگی خودش این کار را می‌کند: سرفه‌ها و سرماخوردگی‌ها و هر چیز دیگری که برای شما اردک‌ها اتفاق بیفتند(اردک، مرگ و گل لاله، ۱۳۹۷: ۹).</p> <p>بچه‌ها هم ممکن است بمیرند؟ بله وقتی خیلی مریض شوند یا اتفاق بدی برای آنها بیفتد(پدر بزرگ لسه می‌میرد، ۱۳۸۴: ۲۰).</p> <p>راکون پیر گفت: «بین چقدر پیر و خسته شده‌ام، گمانم وقت این که از این دنیا بروم»(خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸: ۱۴).</p>
	نابعلوم بودن زمان مرگ	<p>بعضی‌ها زیاد عمر می‌کنند و بعضی‌ها هم کم (مرگ یک دایناسور، ۱۳۹۶: ۶)</p> <p>مبادا اتفاقی برایت بیفتد مثل یک سرما خوردگی سخت؛ یک حادثه، کسی چه می‌داند. "(اردک، مرگ و گل لاله، ۱۳۹۷: ۸).</p> <p>اتفاق یعنی چیزی که پیش می‌آید مثل تصادف ماشین با بچه‌هایی که در خیابان بازی می‌کنند(پدر بزرگ لسه می‌میرد، ۱۳۸۴: ۲۰).</p> <p>ممکن است به زودی از اینجا بروم اما فقط خدا می‌داند کی (خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸: ۱۷).</p> <p>گاهی، بیگانه‌های کسانی را دیدار می‌کنم(من مرگ هستم، ۱۳۹۹: ۲۰)</p>
	علائم مرگ	<p>خوابیده؟ نه مرده. بدنش سرد و خشک شده(مرگ یک دایناسور، ۱۳۹۶: ۱۱).</p> <p>مرگ به اردک نگاه کرد او دیگر نفس نمی‌کشید. کاملاً بی‌حرکت آرمیده بود(اردک، مرگ و گل لاله، ۱۳۹۷: ۲۶).</p> <p>"حالا درد هم دارد؟" پدر می‌گوید: «نه او دیگر چیزی حس نمی‌کند»(پدر بزرگ لسه می‌میرد، ۱۳۸۴: ۱۴)</p> <p>هر چه راکون پیر را تکان داد و صدا کرد او بیدار نشد (خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸: ۱۷).</p> <p>آنگاه که قلب از تپیدن باز می‌ایستد و نفس بر نمی‌آید (من مرگ هستم، ۱۳۹۹: ۲۴).</p>

مثال	مقوله فرعی	مقوله اصلی
« شاید اولش باور نکنی که دیگر او را نخواهی دید» (مرگ یک دایناسور، ۱۳۹۶: ۱۲). اردک را به آرامی روی آب گذاشت و با ضربه کوچکی او را راهی کرد(اردک، مرگ و گل لاله، ۱۳۹۷: ۲۹) او دیگر بر نمی‌گردد چون دیگر نیست (پدر بزرگ لسه می‌میرد، ۱۳۸۴: ۱۲).	بازگشت ناپذیری	

#### ۱.۴ تبیین مؤلفه‌های زیست‌شناختی ناظر به مفهوم مرگ

مرگ زیست‌شناختی به معنای توقف کامل و بازگشت‌ناپذیر فعالیت‌های مغزی است (رضانیا و اعتمادی‌نیا، ۱۳۹۳) که در متن کتاب‌های مورد تحلیل شامل مؤلفه‌های زیر بود:

##### ۱.۱.۴ قطعیت مرگ

مرگ از واضح‌ترین و قابل‌درک‌ترین دلواپسی انسان است. اکنون وجود داریم، ولی روزی می‌رسد که دیگر نیستیم؛ مرگ خواهد آمد و گریزی از آن نیست و همواره میان آگاهی از اجتناب‌ناپذیری مرگ و آرزوی ادامه زندگی تنش وجود دارد (یالوم، ۱۳۹۰: ۲۴)

در داستان مرگ بالای درخت سیب مرگ لازمه زندگی است زیرا پس از مدتی و با رسیدن به کهنسالی بدن رو به زوال و کارکرد اندام انسان کم می‌شود هم‌چنین با مرگ نزدیکان میل به ادامه زندگی در افراد کم شده و تمایل به مرگ در او ایجاد می‌شود. در داستان من مرگ هستم علاوه بر انسان تمام هستی را شامل قانون مرگ می‌داند و مرگ باید در همه جا حضور داشته باشد تا راه را برای چیزهای نو باز کند. اما در داستان اردک، مرگ و گل لاله لازم بودن مرگ برای زندگی به معنای همراه بودن مرگ با موجودات زنده است تا زمانی که لحظه مرگ فرا برسد. مرگ آخرین مرحله از زندگی معرفی شده است. در داستان پدر بزرگ لسه می‌میرد نیز مرگ آخرین مرحله از زندگی معرفی می‌شود به این معنا که انسان روزی به دنیا می‌آید مدتی را زندگی می‌کند و سپس می‌میرد.

بررسی مفهوم مرگ در گزیده‌ای از آثار ترجمه شده... (فاطمه نامجو و دیگران) ۳۱۳

#### ۲.۱.۴ دلایل مرگ

علت‌های مرگ در تمام مجموعه داستان‌های منتخب پژوهش به معنای دلایلی است که باعث از بین رفتن علایم حیاتی افراد می‌شود که گاه مستقیم در متن داستان و گاهی در تصویر به آن اشاره شده است. این علل مثل کهولت سن، بیماری، تصادف و... معرفی می‌شوند. در تمام داستان‌ها مرگ مشمول قانون علیت می‌شود باید دلیلی برای مرگ باشد تا مرگ اتفاق بیفتد.

#### ۳.۱.۴ نامعلوم بودن زمان مرگ

نامعلوم بودن زمان مرگ در متن و تصاویر در داستان مرگ یک دایناسور، اردک مرگ و گل لاله، پدربزرگ لسه می‌میرد، خداحافظ راکن پیر و من مرگ هستم به معنای این است که هر فرد در هر سن و هر موقعیتی ممکن است بمیرد و زمان آن قابل پیش‌بینی نیست. ممکن است نوزادی بلافاصله بعد از تولد و فردی دیگر بارسیدن به پیری از دنیا برود.

#### ۴.۱.۴ علائم مرگ

علائم مرگ در متن و همچنین در تصاویر در مجموعه داستان‌های مورد پژوهش به معنای فقدان اعمال حیاتی، بی‌حرکتی و سرد شدن بدن است که در مرگ فیزیولوژیک اتفاق می‌افتد. به طور کلی مرگ فیزیولوژیک به معنای توقف دائم اعمال حیاتی به علت تأخیر در آغاز احیا، فقدان اکسیژن‌رسانی، منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیر مغز و سایر ارگان‌ها شده و فرد قابل احیا یا برگشت نیست (عاقلی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱).

#### ۵.۱.۴ بازگشت ناپذیری

بازگشت‌ناپذیری اشاره به این امر دارد که چیزهای مرده نمی‌توانند دوباره زنده شوند (Poling&Hupp, 2008:165) در داستان «مرگ یک دایناسور» و «پدربزرگ لسه می‌میرد» مرگ پدیده‌ای بازگشت‌ناپذیر معرفی می‌شود یعنی افراد پس از مردن دیگر قادر به زنده شدن و بازگشت مجدد به این دنیا نیستند. در داستان «اردک، مرگ و گل لاله» مرگ به عنوان آخرین مرحله زندگی و پایان زندگی معرفی می‌شود یعنی افراد مدتی در این دنیا زندگی می‌کنند و بعد از مدتی زندگی برای آن‌ها تمام می‌شود و پس از مرگ فرصت زندگی دوباره هرگز فراهم نمی‌شود.

جدول ۳. مؤلفه‌های عاطفی مفهوم مرگ در کتاب‌های داستان ترجمه شده

مقاله اصلی	مقاله فرعی	مثال
عاطفی	ترس از مرگ	روزی روباه مرگ را می‌بیند که زیر درخت سیب ایستاده است. وحشت می‌کند. نه، حالا نه! بگذار کمی دیگر زندگی کنم!" (مرگ بالای درخت سیب، ۱۳۹۷: ۱۸) وقتی کسی که دوستش داری می‌میرد احساسات گوناگونی به سراغت می‌آید. شاید اولش باور نکنی که دیگر او را نخواهی دید (مرگ یک دایناسور، ۱۳۹۶: ۱۲) اردک سعی کرد به مرگ فکر نکند چون فکرش هم موهای او را سیخ می‌کرد (اردک، مرگ و گل لاله، ۱۳۹۷: ۹). وقتی سر می‌رسم بعضی شمع می‌افروزند و عده‌ای پرده‌ها را می‌کشند و امید دارند از کنارشان بگذرم (من مرگ هستم، ۱۳۹۹: ۱۲)
	امید به زندگی	چه خوب که می‌توانم برای همیشه و تا ابد زندگی کنم (مرگ بالای درخت سیب، ۱۳۹۷: ۲۱) ...زنده باد زندگی (مرگ یک دایناسور، ۱۳۹۶: ۲۴) اردک به پهلوی مرگ سقلمه‌ای زد و در حالی که با خوشحالی کواک کواک می‌کرد گفت: "من نمرده‌ام (اردک، مرگ و گل لاله، ۱۳۹۷: ۱۵)
	توانم به یاد بمانم	مامان و بابا و مادر بزرگ گریه می‌کنند. لسه نگران می‌شود و فریاد می‌زند: "برای چی گریه می‌کنید؟ برای چی گریه می‌کنید؟" (پدر بزرگ لسه می‌میرد، ۱۳۸۴: ۹) عشق نمی‌میرد، هرگز نمی‌میرد. حتی در دیدار با من (من مرگ هستم، ۱۳۹۹: ۳۹) وقتی همه رفتند تک دوباره تنها شد خیلی غمگین و پریشان بود (خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸: ۲۶)

۲.۴ تبیین مؤلفه‌های عاطفی ناظر به مفهوم مرگ

۱.۲.۴ ترس از مرگ

ترس از مرگ، احساس عمومی و جهانی است و به تعبیر ریموند مودی یکی از دلایل آن این می‌تواند باشد که هر فردی وقتی با مرگ دیگران روبرو می‌شود به این نتیجه می‌رسد که این واقعه برای او نیز رخ خواهد داد و به ناچار با آن روبرو خواهد شد (مودی، ۱۳۷۳: ۲۱-۲۱). همچنین از آنجایی که ما تصور مبهمی از مرگ داریم همواره با ترس و اضطراب همراه است. در داستان «مرگ یک دایناسور» ترس از مرگ به عنوان یک دلواپسی و احساس نگرانی در فرد پس از مرگ یا در مواجهه با مرگ دیگران در فرد ایجاد می‌شود و از اتفاقات معمول در اطرافش که پیش از این نگرانی نداشت مثل رانندگی یا پیرشدن عزیزانش، اکنون نگران می‌شود چون ممکن است باعث مرگ خود یا نزدیکانش شود.

بررسی مفهوم مرگ در گزیده‌ای از آثار ترجمه شده... (فاطمه نامجو و دیگران) ۳۱۵

ترس از مرگ در داستان «مرگ بالای درخت سیب» و «اردک، مرگ و گل لاله» به معنای ترس از خود پدیده‌ی مرگ، که در اثر مواجهه با فرشته مرگ به وجود می‌آید بیان شده است که تعلقات مادی نیز در آن دخیل است. در داستان من مرگ هستم ترس از مرگ به عنوان احساسی طبیعی در افراد قبل از مرگ خود به دلیل عدم آگاهی از اتفاقات بعد از آن مثل نحوه‌ی تدفین یا ورود یا عدم ورود به بهشت است، بیان شده است.

#### ۲.۲.۴ امید به زندگی

امید به زندگی یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی مهم است که به‌عنوان یک عامل شفاف‌دهنده، چندبعدی، پویا و قدرتمند در سازگاری با مشکلات عمل می‌کند و همچنین به باور فروم، امید عامل ذاتی و باطنی شالوده زندگی و عامل پویا و دینامیک روان انسان است (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲)

در داستان «مرگ بالای درخت سیب» و «اردک، مرگ و گل لاله» امید به زندگی به معنای موفقیت در شکست مرگ و ادامه‌ی زندگی است. در داستان «من مرگ هستم» امید به زندگی به معنای غلبه بر ترس از مرگ با امید به جاودانگی از طریق مانا بودن عشق است. اما در داستان «مرگ یک دایناسور» و «خداحافظ راکن پیر» امید به زندگی به معنای پذیرش مرگ عزیزان و ادامه‌ی روال عادی زندگی در کنار یاد عزیز از دست رفته است.

#### ۳.۲.۴ ناخوشایند بودن مرگ

ناخوشایند بودن مرگ منعکس‌کننده طیف وسیعی از پاسخ‌های احساسی مرتبط با فرآیند مرگ و سوگواری مانند غم، خشم، احساس گناه، انکار، شوک و سردرگمی بودند (poling&hupp,2008: 167).

در داستان «مرگ یک دایناسور»، «پدر بزرگ لسه می‌میرد»، «مرگ بالای درخت سیب» و «خداحافظ راکن پیر» ناخوشایند بودن مرگ به معنای مجموعه احساسات ناخوشایندی مثل ناراحتی، خشونت یا نیاز به تنهایی است که پس از مرگ نزدیکان یا مواجهه با مرگ دیگران در فرد احساس می‌شود. در داستان «من مرگ هستم»، «اردک، مرگ و گل لاله» ناخوشایند بودن و آکراه از مرگ به خاطر سردرگمی بعد از آن و ظاهر نه چندان دوست‌داشتنی فرشته مرگ است.

ناخوشایند بودن مرگ صرفاً در ترسیم چهره‌ی مرگ و رنگ‌های انتخابی در رنگ آمیزی آن است ولی در متن داستان، مرگ بسیار دوست‌داشتنی معرفی می‌شود.

جدول ۴. مؤلفه‌های متافیزیکی ناظر به مفهوم مرگ در کتاب‌های داستان ترجمه شده

مفوله اصلی	مفوله فرعی	مثال
متافیزیک	احساس	مدتی بود اردک حس عجیبی داشت. «تو کی هستی؟ می‌خواهی چه کار کنی که یواشکی تعقیب می‌کنی؟» (اردک، مرگ و گل لاله، ۱۳۹۷: ۴) روزی روباه مرگ را می‌بیند. وحشت می‌کند. نه، حالا نه! بگذار کمی دیگر زندگی کنم! (مرگ بالای درخت سیب، ۱۳۹۷: ۱۸)
	پیر بودن مرگ	- مرگ به او لبخند دوستانه‌ای زد. در واقع او دوست داشتنی بود (اردک، مرگ و گل لاله، ۱۳۹۷: ۱۰) - آن‌ها یکدیگر را در آغوش می‌گیرند و روباه پیر کاملاً احساس سبکی می‌کند (مرگ بالای درخت سیب، ۱۳۹۷: ۳۲) - دنیای ناشناخته‌ای که به آن رفته‌ام، خیلی بزرگ‌تر و قشنگ‌تر است (خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸: ۲۴) آن‌هایی را که نمی‌توانند راه بروند تنگ در آغوش می‌گیرم و آرام بخش‌ترین نغمه‌هایم را برایشان زمزمه می‌کنم (من مرگ هستم، ۱۳۹۹: ۲۰)
	فرشته مرگ	- مرگ بعضی وقت‌ها می‌توانست فکر دیگران را بخواند (اردک، مرگ گل لاله، ۱۳۹۷: ۲۲). - من می‌توانم هم زمان جای دیگری باشم و به شکل دیگری در آیم (مرگ بالای درخت سیب، ۱۳۹۷: ۲۴)
	مرگ اعتقاد به زندگی پس از مرگ	-برایش دعا کن (مرگ یک دایناسور، ۱۳۹۷: ۲۴) - روباه پیر کاملاً احساس سبکی می‌کند سرش را تکان می‌دهد و باهم از آن‌جا دور می‌شوند (مرگ بالای درخت سیب، ۱۳۹۷: ۳۲) - راکن پیر آرام خندید و گفت: "به یک دنیای دیگر. یک دنیای ناشناخته" (خداحافظ راکون پیر، ۱۳۸۸: ۱۴) - گلایه‌ی استخوان‌ها را می‌توان شنید آنگاه که با هم به پرواز در می‌آیم (من مرگ هستم، ۱۳۹۹: ۱۶)
	تناسخ	- لسه مدتی به گل نگاه می‌کند و برایش دست تکان می‌دهد و آهسته با خودش می‌گوید: "خداحافظ پدر بزرگ!" (پدر بزرگ لسه می‌میرد، ۱۳۸۴: ۲۴)

### ۳.۴ تبیین مؤلفه‌های (مقوله‌های فرعی) متافیزیکی ناظر به مفهوم مرگ

#### ۱.۳.۴ احتضار

احتضار اولین مرحله از منازل آخرت و آخرین مرحله از منازل دنیاست. احتضار موقع جان دادن و قبض روح است که به عنوان سكرات مرگ نیز از آن یاد می‌شود در این حالت ملك الموت را به طور کامل مشاهده می‌کند و چشم برزخی او باز می‌شود (عاقلی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱) احتضار در داستان مرگ بالای درخت سیب و اردک، مرگ و گل لاله حالتی است که فرد مدتی قبل از مرگ آن را تجربه می‌کند و با دیدن فرشته‌ی مرگ شروع می‌شود و زمان آن می‌تواند ماه‌ها طول بکشد. در داستان من مرگ هشتم بسیار محدود و صرفاً در یکی از تصاویر مرگ را در کنار فردی که قرار است بمیرد برای مدتی می‌بینیم که گذر زمان از روی بافتنی چند رج در دست مرگ تشخیص داده می‌شود.

#### ۲.۳.۴ خیر بودن مرگ

در حقیقت، شیوه نگرش به مرگ است که تعیین می‌کند؛ باید از آن گریخت و رنج آن را به فراموشی سپرد یا به آن اندیشید و با آن مواجه شد و به سوی آن رفت و آن را آگاهانه پذیرفت. اگر مرگ را به معنی «نیستی» و «مرگ مطلق و پایان محض» بدانیم، پیامدهایی همچون: نومیدی، پوچی، ترس و... را به دنبال دارد؛ اما اگر آن را به عنوان پل عبور، وصول به جاودانگی، تکامل، تولد دوباره و آغاز یک مرحله نوین از حیات بدانیم، سبب مثبت‌اندیشی نسبت به زندگی و پذیرش مرگ به‌عنوان لازمه اصلی زندگی می‌شود (اکبرزاده، دهباشی، شانظری، ۱۳۹۳: ۳) و پیامد مرگ چیزی جز خیر و خوبی نیست.

در داستان «مرگ بالای درخت سیب» و «خداحافظ راکن پیر» مرگ خیر است؛ در داستان «مرگ بالای درخت سیب» مرگ خیر است چون پس از مدت طولانی زندگی در این دنیا به دلیل ضعف جسمانی از دست دادن نزدیکان این دنیا جدایی برای ماندن ندارد و مرگ بهتر از زندگی است و خیر بودن مرگ در «خداحافظ راکن پیر» به خاطر وجود جهان پس از مرگ است که به مراتب بزرگ‌تر و زیباتر از این دنیا خواهد بود. در داستان «اردک، مرگ و گل لاله» خیر بودن مرگ به معنای خیر و دوست داشتنی بودن فرشته‌ی مرگ است. در داستان «من مرگ هشتم» نیز مرگ خود را دوست داشتنی و کمک‌حال افرادی که ناتوانند و آنها را در آغوش می‌کشد معرفی می‌کند.

### ۳.۳.۴ فرشته مرگ

فرشته مرگ یا ملک الموت مسئول گرفتن جان انسان است (علامه طباطبایی، ۱۳۶۹: ۶۷). در داستان «مرگ بالای درخت سیب» فرشته مرگ موجودی غیر مادی و فراتر از زمان و مکان معرفی می‌شود که قادر به حرف زدن، حرکت، دیدن و شنیدن است و ماموریت دارد تا فرد را با خود به دنیای دیگر ببرد. در داستان «اردک، مرگ و گل لاله» فرشته مرگ موجودی با ظاهری ترسناک اما دوست داشتنی از نظر محتضر معرفی می‌شود که دارای توانایی حرکت، حرف زدن، دیدن، شنیدن و لمس کردن است و ماموریت او آماده کردن فرد برای مرگ است.

### ۴.۳.۴ اعتقاد به زندگی پس از مرگ

اعتقاد به جهان پس از مرگ به معنای وجود ادامه‌ی حیات پس از مرگ در جهانی دیگر است؛ در واقع مطابق همه ادیان آسمانی و اندیشه حکمای الهی، مرگ پایان زندگی انسان و امیال او نیست بلکه پایان مرحله‌ای از زندگی و شروع مرحله تازه از زندگی جاودانه اوست (سعیدی وستوده، ۱۴۰۰: ۵۶).

در داستان «مرگ بالای درخت سیب»، «خدا حافظ راکن پیر» و «من مرگ هستم» به وجود جهانی در بعد غیرمادی و فارغ از سختی‌های دنیای قبل از مرگ باور دارد و در داستان «اردک، مرگ و گل لاله» این جهان مبهم و حاکی از تصور و خیال‌پردازی موجودات از جهان پس از مرگ است و در داستان «پدر بزرگ لسه می‌میرد» به کلی مردود می‌شود.

### ۵.۳.۴ تناسخ

تناسخ به معنای بازگشت ارواح به زندگی جدید در جسم دیگر و در همین جهان است (شهرکی مقدم، ۱۳۹۵: ۳). در داستان «پدر بزرگ لسه می‌میرد» انسان پس از مرگ دوباره در قالب موجودی دیگر مثلاً یک گل دوباره به این دنیا باز می‌گردد.



## ۵. بحث و بررسی: تحلیل متن و تصاویر کتاب‌های داستان با مفهوم مرگ

### ۱.۵ تحلیل متن و تصویر داستان مرگ یک دایناسور

در «مرگ یک دایناسور»، توضیح پدیده مرگ برای کودکان به عنوان یک پدیده اجتماعی و عاطفی که در اثر داغدیدگی به سراغ کودک می‌آید به صورت نمادین در بین شهروندان دایناسور توضیح داده شده است. نحوه برخورد با احساسات طبیعی کودک داغدید و راه‌های مقابله با این‌گونه احساسات همچنین نحوه برخورد اطرافیان با چنین کودکی توضیح داده شده است و در آخر به ادامه زندگی و نحوه‌ی درست کنار آمدن با داغدیدگی و ادامه‌ی زندگی شاد اشاره شده است.

تصاویر داستان از زندگی شهروندان یک شهر که همگی دایناسور هستند ترسیم شده است رابطه‌ی متن و تصویر از نوع گسترشی یا افزایشی است (حسام‌پور و مصلح، ۱۳۹۴: ۴۸). چرا که علاوه بر توضیح مفهوم مرگ که در متن توسط نویسنده بیان شده است داستانی با همین مضمون اما به طور گسترده‌تر در تصاویر دنبال می‌شود و مفاهیم توضیح داده شده در متن توسط تصاویر بازنمایی می‌شود و با زندگی روزمره گره می‌خورد. ضمن آنکه هر مفهوم از مرگ در داستانی جداگانه که شخصیت اصلی آن را کودکان داغدید باز می‌کنند و گاهی برای تفهیم تصاویر متن‌هایی از زبان شخصیت‌ها در کادرهایی بیان می‌شود.

آنچه در مفهوم کلی داستان در متن و تصاویر برای کودک به نمایش در می‌آید گره خوردن مفهوم متن با زندگی روزمره، علل مرگ مثل تصادف، جنگ، بیماری و خودکشی و تصاویر مرگ نوزاد، جوان یا افراد سالخورده که هر کدام به دلایلی با مرگ دست به گریبانند به تصویر کشیده شده است، سپس احساساتی که در اثر داغدیدگی به سراغ کودک می‌آید و نحوه‌ی رویارویی با آن‌ها و در آخر ادامه‌ی زندگی و کنار آمدن با مرگ عزیزان است. هدف اصلی نویسنده بیش از توضیح صرف مفهوم مرگ؛ کمک به کودکان داغدید از مرگ عزیزان و روش‌های صحیح مقابله با احساسات منفی ویژه‌ی این دوران است.

آنچه که در تصاویر کتاب قابل تأمل است پرداختن به احساسات مختلف کودکان و تفاوت آن‌ها در مواجهه با مرگ است. احساس غم، ترس، انکار مرگ عزیزان و امید به بازگشت فرد از دست داده شده، بی‌اشتهایی و نگرانی و پرخاش در رفتار کودک داغدید نمایش داده شده است و سپس ارائه راهکارهایی برای مواجهه با کودکان داغدید و رفتار متفاوت در بین دوستان همسن کودک را نشان می‌دهد.

سرانجام خداحافظی و دفن میت و شرکت دادن کودک در مراسم خاکسپاری به عنوان راه حل برای تفهیم مرگ برای کودکان بیان می‌شود؛ که به صورت نمادین دفن حیوان خانگی توسط کودک، والدین و سایر دوستان او انجام می‌گیرد.

در آخر نویسنده اشاره می‌کند به ادامه زندگی پس از مرگ عزیزان و اینکه در کنار یادبود عزیزان باید زندگی کرد و زندگی را زیبا و ادامه دار برای کودک به تصویر می‌کشد. کودکانی در حال انجام فعالیت‌های شاد روزمره مثل ورزش، مطالعه و انجام فعالیت‌هایی مثل کاشت درخت یا کشیدن تصویر فرد متوفی، دعا کردن برای زنده نگه داشتن یاد فرد از دست داده نیز دیده می‌شود. بعد عاطفی و زیست شناختی مرگ در کنار یکدیگر نمایش داده شده است. نکته قابل تامل در کلیت داستان شروع آن از ترس از مرگ، چیستی زندگی و تعریف آن سپس تعریف مرگ، احساسات کودک پس از مرگ عزیزان و نحوه‌ی مقابل با آن و در آخر پرداختن به زندگی پس از داغ‌دیدگی است. به طور کلی بعد زیست شناختی و عاطفی در این داستان بسیار پررنگ است.

## ۲.۵ داستان مرگ بالای درخت سیب

داستان «مرگ بالای درخت سیب» حکایت روباهی است که مرگ خود را با استفاده از جادویی که راسو به او یاد داده بود، در بالای درخت سیب اسیر می‌کند. اما بعد از مدت‌ها با مرگ همسر و سایر دوستانش همچنین پیرشدن و عدم قوای جسمانی احساس تنهایی می‌کند و دیگر زنده بودن را دوست ندارد پس مرگ را آزاد می‌کند و با او می‌رود. مفهوم کلی که در داستان مرگ بالای درخت سیب بیان می‌شود، داستان علاقه به زندگی است که بامواجه با مرگ قرار است از تمام آن دست کشیده شود و در آخر نشان می‌دهد مرگ خیر بوده و در واقع، لازمه و بخشی از زندگی است و بالاخره اتفاق خواهد افتاد. وجود فرشته‌ی مرگ در ظاهری شبیه به روباه ولی سفید و روح مانند بودن آن نکات قابل توجه در داستان است؛ جان روباه توسط موجودی گرفته می‌شود و به جای دیگر منتقل می‌شود و مرگ به عنوان نابودی نیست بلکه حیاتی دیگر با همراهی مرگ برای روباه داستان به وجود می‌آید. ترس از مرگ پس از خواندن این داستان کم‌رنگ و کودک داغ‌دیده را از آشفتگی و نگرانی در می‌آورد.

رابطه متن و تصویر از نوع قرینه‌ای است (همان) و آن چه در متن می‌خوانیم عینا یا با کمی کاهش به تصویر کشیده شده است. تصویر روی جلد نمایانگر روباه با یک سیب گاززده در دست را نشان می‌دهد که خوردن نمادی از زنده بودن است پشت سر او مرگ به صورت

بررسی مفهوم مرگ در گزیده‌ای از آثار ترجمه شده ... (فاطمه نامجو و دیگران) ۳۲۱

تصویری شبیه به روباه به تصویر کشیده شده است. نمادی از همراهی مرگ در سراسر زندگی است؛ گویی زمانی روی خود را برمی‌گرداند که زمان مرگ فرارسیده است، که در تصویر پشت جلد این اتفاق می‌افتد. شبیه بودن مرگ به خود روباه نیز نشانگر وجود فرشته مرگِ مخصوص برای هر فرد است که در داستان به این نکته اشاره می‌شود. بعد زیست‌شناختی حیات در گرو توانایی خوردن به عنوان عملی حیاتی و بعد متافیزیک که وجود روح است به خوبی در طرح روی جلد مشهود است.

ریختن برگ درختان در ابتدا مفهوم مرگ را با استفاده از نماد مرگ در طبیعت به کودک القا می‌کند که این امر بیانگر درک مفاهیم متافیزیک با استفاده از نمادهای عینی و محسوس برای کودک است.

پرداختن به فرشته‌ی مرگ؛ اشاره به غیر مادی بودن و فراتر از بعد زمان و مکان بودن مرگ دارد که او را موجودی فراتر از محدودیت‌های این دنیا بیان می‌کند. همچنین تصویر فرشته مرگ (در قالب روباه) در تمام حالات به نحوی به تصویر کشیده شده است که تصاویر پشت سر او دیده می‌شوند و غیر مادی بودن این موجود به وضوح در تصاویر مشهود است که اشاره به بعد متافیزیکی مرگ دارد؛ همچنین بعد عاطفی مرگ در ترس از مرگ دیده می‌شود که روباه و مرگ به هم نگاه می‌کنند در حالی که مرگ با لبخندی بربل دارد روباه از پشت درخت و درحالی که به نظر می‌آید پناه گرفته است و با چهره‌ای ترسان به مرگ نگاه می‌کند اما پس از به دام انداختن مرگ در بالای درخت سبب تصویر روباه شاد و با لبخند و در حال شادی کشیده می‌شود انگار باز امید به زندگی پیدا کرده است.

در پایان روباه را با لبخند و شادمان در آغوش مرگ می‌بینیم؛ پس از قبول مرگ توسط روباه، الزامی بودن مرگ برای کودک القا می‌شود. روباه پس از در آغوش کشیدن مرگ اظهار می‌کند احساس سبکی دارد و از غم و رنج که مخصوص دنیای قبل از مرگ بوده است رهایی یافته و مرگ زیبا و آرامش بخش معرفی می‌شود که بعد متافیزیک در رابطه با مرگ معرفی می‌شود و مرگ در این داستان پایانی برای زندگی نیست بلکه رفتن به جایی دیگر معرفی می‌شود.

### ۳.۵ داستان اردک، مرگ و گل لاله

داستان راجع به اردکی است که با مرگ خود که به شکل موجودی اسکلت مانند است، مواجه می‌شود. ابتدا از او می‌ترسد و بعد باهم صحبت می‌کند و از مرگ سوالاتی که در ذهن اردک

است پرسیده می‌شود کم کم اردک با مرگ خود دوست می‌شود و او را دوست داشتنی می‌پندارد و در آخر اردک می‌میرد و مرگ او را باخود می‌برد و به روی آب دریاچه رها می‌کند. محتوای کلی داستان بیان مفهوم مرگ به معنای پایان زندگی و اتمام تمامی تعلقات مادی پس از مرگ برای فرد متوفی است. مرگ خود را در چهره‌ی یک اسکلت نشان می‌دهد که مدتی در کنار اردک قرار می‌گیرد و با او همراه می‌شود و بعد اردک می‌میرد و نقش مرگ تنها آماده کردن اردک برای مواجهه با مرگ معرفی می‌شود. تصاویر داستان نیز از نوع قرینه‌ای و در برخی صفحات از نوع تقابلی است و از روی تصاویر نمی‌توان متوجه شد داستان در متن به چه موضوعی می‌پردازد(همان). تصویرگری با تاکید بر تصویر اردک و مرگ(اسکلت) می‌باشد و جزئیات و محیط اطراف به ندرت به تصویر کشیده شده است که معمولاً فاقد رنگ هستند. عدم استفاده از رنگ‌های شاد و تک رنگ بودن تصاویر و استفاده از رنگ‌های کرم و قهوه‌ای بسیار روشن در تصاویر القا کننده‌ی سردی و تلخی مرگ است. کم رنگ بودن یا عدم رنگ آمیزی محیط پیرامون هم حس اتمام زندگی برای اردک با مرگ را نشان می‌دهد. تصویر روی جلد، اردکی تنها را نمایش می‌دهد که به سمت بالا نگاه می‌کند و به کلمه مرگ در عنوان داستان که گویای پرسشگری و ابهام چستی مرگ برای اردک است؛ خیره شده است. همچنین می‌تواند انتظار او برای مرگ که مقصد نهایی اردک است را در ذهن تداعی کند. تصویر مرگ در این کتاب، تصویری از اسکلت بی روح است که نمادی از زندگی در آن دیده نمی‌شود داشتن دو دایره تیره رنگ برای چشم بدون لب و بینی، تلخی مرگ را به تصویر می‌کشد. مرگ موجودی کاملاً مادی نشان داده می‌شود و علائمی که نشانگر غیر مادی بودن مرگ و پرداختن به مسائل متافیزیکی در رابطه با مرگ باشد دیده نمی‌شود. به‌طور کلی تصاویر نشان دهنده‌ی کشمکش بین اردک و مرگ در جدال بین مرگ و زندگی و در نهایت پذیرش مرگ است که در آخر جسم بی‌جان اردک را به تصویر کشیده شده است بدون اینکه مرگ روحی از او جدا کند و تنها نشانه مرگ، فقدان اعمال حیاتی است. هم‌چنین مرگ آخرین منزل از این زندگی معرفی شده است بدون هیچ پایانی. در پایان کتاب نیز مرگ را در کنار خرگوشی که روباهی به دنبال او است می‌بینیم و ادامه حیات و ادامه ماموریت فرشته مرگ؛ که جدایی ناپذیری مرگ و زندگی را نشان می‌دهد. به‌طور کلی می‌توان گفت در این داستان بطور مساوی به سه بعد مفهوم مرگ یعنی زیست‌شناختی و عاطفی و متافیزیکی پرداخته شده است.

#### ۴.۵ داستان پدربزرگ لسه می‌میرد

داستان راجع به پسر بچه‌ی ۴ ساله‌ای است که با مرگ پدربزرگ خود مواجه می‌شود و برایش سولاتی راجع به چیستی مرگ و اتفاقاتی که با مرگ برای پدربزرگش اتفاق می‌افتد پیش می‌آید. پدر به سولات او پاسخ می‌دهد و چیستی مرگ را برای او روشن می‌کند و در آخر لسه، پدربزرگ را در قالب گلی که تازه از زمین روئیده می‌بیند.

داستان به صورت پرسش و پاسخ از مرگ و سولاتی که ذهن کودک را پس از داغدیدگی مشغول می‌کند می‌باشد که توسط لسه (کودک داستان) پرسیده می‌شود و توسط فرد داناتر که پدر اوست پاسخ داده می‌شود. کودکی که در حال خواندن داستان است می‌تواند با الگو گرفتن از لسه به والد خود به عنوان منبع مناسب برای پاسخ به سولاتش نگاه کند. آنچه تا ممل برانگیز است عدم پرداخت به مسائل متافیزیکی مرگ است و صرفاً مرگ به صورت امری کاملاً مادی و عینی که متناسب با سن کودک است معرفی می‌شود.

رابطه متن با تصویر از نوع مکملی است و تصویر علاوه بر بیان متن به جزئیات بیشتر از متن نیز می‌پردازد (همان). در تصاویر تنها با سه رنگ سفید، آبی و مشکی، محیط با جزئیات کامل ترسیم شده است که در روانشناسی رنگ‌ها رنگ آبی نشان صلح، امنیت و نظم است و رنگ مشکی می‌تواند احساس غم، درونگرایی یا گوشه‌گیری را در بعضی افراد افزایش دهد (میرصانع، ۱۳۹۱: ۱۳۶). به دلیل فضای غم‌انگیز مرگ ممکن است این رنگ برای طراحی تصاویر انتخاب شده باشد.

دیدن گریه و ناراحتی والدین و مادر بزرگ به دلیل مرگ پدر بزرگ او را آشفته می‌کند و برایش سوال پیش می‌آید. آنچه در پاسخ از پدر شنیده می‌شود به هیچ عنوان مسائل متافیزیکی و انتزاعی نیست بلکه واقعیت را کاملاً واقع‌گرایانه به کودک توضیح می‌دهد. نکته قابل تأمل در آخر داستان رخ می‌دهد که لسه پدر بزرگ را در قالب گلی می‌بیند که از زمین در آمده است و این گل در کنار سنگ قبر پدر بزرگ نیست که تصور شود این گیاه از تجزیه‌ی بدن پدر بزرگ ایجاد شده بلکه کاملاً تصور تناسخ و زندگی در قالب موجودی دیگر بعد از مرگ و در این دنیا را تداعی می‌کند که لسه نیز آن گل را پدر بزرگ خطاب می‌کند که نتیجه‌ی پاسخ‌های پدر به سولات او راجع به مرگ است.

در تصاویر کتاب مراحل زندگی یک انسان از نوزادی تا پیری در قالب ۱۰ قاب مربعی نشان داده شده است که بیانگر عمومیت مرگ و الزامی بودن مرگ برای زندگی است و مرگ بخشی از زندگی است که باید اتفاق بیفتد همان‌گونه که کودک جوان می‌شود و جوان پیر، پیران

نیز باید وارد مرحله‌ی بعد که مرگ هست بشوند؛ به این ترتیب مرگ به عنوان قسمتی از زندگی در ذهن تداعی می‌شود. توضیحات پدر از نبودن پدر بزرگ با مثالی از خرابی سه چرخه لسه که دیگر قابل استفاده نبوده است و آن را دور انداخته اند بیان می‌شود که حالا لسه با نبود سه چرخه کنار آمده است هر چند خرابی آن برای لسه ناراحت کننده بوده است. آموزش مرگ از طریق تشبیه که روشی مناسب و قابل درک برای کودک است بیان می‌شود. تصاویر پایان زندگی با مرگ و عدم اعتقاد به دنیایی دیگر را بیان می‌کنند؛ همان‌طور که دو چرخه برای همیشه نیست پدر بزرگ هم بعد از مدتی دیگر توان زندگی را نداشت و از دنیا رفته است.

بطور کلی آنچه در داستان به آن پرداخته می‌شود و در متن و تصاویر دنبال می‌شود بعد زیست شناختی به مسائلی مثل بازگشت ناپذیری، علائم مرگ و بعد عاطفی در ناخوشایند بودن مرگ عزیزان است و در بعد متافیزیک صرفاً مسئله تناسخ و بازگشت در قالب موجودی دیگر را داریم.

## ۵.۵ داستان خدا حافظ راکون پیر

داستان «خدا حافظ راکون پیر» راجع به بچه خرگوشی است که از متولد شدن می‌ترسد پدرش نزد راکون پیر می‌رود تا به آن‌ها کمک کند. راکون نزدیک مادر رفت و با چند ضربه کوچک به دل مادر بچه خرگوش را متوجه خود کرد و توضیح داد که این دنیا چقدر زیباتر و بزرگ‌تر از دنیای رحم مادر است.

خرگوش کوچک به دنیا آمد، با روحیه‌ی کنجکاو و پرسشگر و هنوز در کنار راکون است و از راهنمایی او بهره می‌برد تا اینکه راکون پیر می‌شود و زمان مرگش فرا می‌رسد با مرگ راکون خرگوش دچار ناراحتی و پرسش از چیستی مرگ می‌شود. سوالات او توسط سایر حیوانات و همچنین راکون که به خواب خرگوش می‌آید پاسخ داده می‌شود.

مفهوم کلی و درونمایه داستان مقایسه دنیا و آخرت از طریق تفاوت بین دنیای درون رحم مادر با دنیایی است که در آن زندگی می‌کنیم و ذهن کودک از طریق مقایسه به درک بهتری از دنیای پس از مرگ می‌رسد. در این داستان، مرگ به معنای فقدان اعمال حیاتی، هم‌چنین جدایی روح از بدن به واسطه‌ی مرگ و وجود جهان زیبای پس از مرگ برای کودک تفهیم می‌شود.

بررسی مفهوم مرگ در گزیده‌ای از آثار ترجمه شده ... (فاطمه نامجو و دیگران) ۳۲۵

تصاویر در داستان از نوع قرینه‌ای است و آنچه در متن می‌خوانیم در تصویر نیز به نمایش گذاشته می‌شود (حسام‌پور و مصلح، ۱۳۹۴). تصویر روی جلد قسمتی از داستان را نشان می‌دهد که راکون در حال توضیح پایان زندگی خود و نزدیکی مرگش؛ به خرگوش کوچولو است. راکون لبخند می‌زند که این لبخند در طول داستان و حتی در زمان مرگش نیز از صورت او محو نمی‌شود و به عنوان شخصیت دانای داستان خیر بودن مرگ برای افراد نیکوکار نیز به ذهن تداعی می‌شود که در تمام صفحات تصویر راکن به همین شکل و با لبخندی بر لب است؛ حتی هنگام صحبت با خرگوش راجع به مرگ و یا لحظه‌ی مرگش که بی حرکت روی زمین دراز کشیده است. این در حالی است که خرگوش که در آغوش اوست حالتی از اضطراب و ناراحتی دارد احساسی که در کودکان در مرگ عزیزان ایجاد می‌شود؛ این امر نشان‌دهنده بعد عاطفی و ناخوشایند بودن مرگ است و زمانی این ناراحتی پایان می‌یابد که مرگ برای او تفهیم شود. بعد از غم از دست دادن عزیزان مسائل زیست‌شناختی و متافیزیک به صورت مقایسه‌ای و عینی که برای کودک قابل درک باشد در داستان به خوبی توضیح داده شده است.

داستان، مرگ را جدایی روح از بدن و انتقال از این دنیا به جهانی بزرگتر و زیباتر توصیف می‌کند و برای نزدیکی این توصیف به ذهن کودک این انتقال را با انتقال از رحم مادر به این دنیا مقایسه می‌کند و در نهایت داستان با امید به زندگی و ادامه حیات در این دنیا و زنده نگه‌داشتن یاد فرد متوفی پایان می‌یابد.

## ۶.۵ داستان من مرگ هستم

در کتاب «من مرگ هستم» مرگ در قالب موجودی شبیه به یک زن با موهایی بلند و چشمانی آبی و با زبانی شاعرانه به مسائلی از جمله اینکه به سراغ چه کسانی، در چه زمان و مکانی می‌رود؛ اینکه وجودش برای زندگی لازم است و در واقع مرگ و زندگی در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کنند و اینکه برخلاف تصور عموم که از مرگ می‌ترسند خود را موجودی خیر معرفی می‌کند، می‌پردازد.

شخصیت اصلی داستان مرگ است و قرار است مرگ از زبان خودش به کودک معرفی شود کاربرد زبان شاعرانه و لطیف مرگ را موجودی مهربان و خیر تداعی می‌کند.

تصویر روی جلد، مرگ را نشان می‌دهد که سوار بر دوچرخه‌اش در حال حرکت میان گل‌ها و برگ‌های جدا شده از شاخه‌اند این موجود که خود را مرگ معرفی می‌کند قرار است

موجودات را از زندگی و حیات جدا کند و داشتن دهانی به شکل ۸ که نمادی از ناراحتی است بر چهره مرگ شاید تنها نشان از ناخوشایند بودن و غم‌بار بودن مرگ است.

تصاویر از نوع تقابلی (همان) در چهره پردازی مرگ است و هرچند تصویرگر ایده‌ی نویسنده را به همان شکل به نمایش می‌گذارد اما در تصویرپردازی مرگ تفاوت متن و تصویر دیده می‌شود که شاید به نگرش تصویرگر نسبت به تفاوت مرگ و زندگی بر می‌گردد. در صفحات دو و سه تصویری از مرگ منتظر بر شاخه درخت را می‌بینیم که به تخم‌های پرنده که قرار است جوجه شوند نگاه می‌کند؛ ایده کلی و تفکر نویسنده در کل داستان در همین تصویر به خوبی دیده می‌شود که مرگ در هر زمان ممکن است به سراغ افراد برود در دوره جنینی، کودکی و پیری و اینکه زمان مرگ قابل پیش‌بینی نیست و نکته دوم مرگ خود را لازمه زندگی می‌داند چون قرار است جایی برای ورودی‌های جدید به این دنیا بازکند.

آنچه در این داستان به آن پرداخته شده در ابتدا ناخوشایند بودن مرگ برای کسانی که تمایل به مرگ ندارند، است و حتی عده‌ای با انجام دادن کارها و رسوماتی تلاش می‌کنند مرگ را از خود دور کنند ولی مرگ گریزناپذیر و قطعی است و زمان و مکان آن از قبل تعیین شده است و چاره‌ای جز تن دادن به مرگ نیست. پرداختن به علت مرگ موضوع دیگری است که در این داستان بیان می‌شود که به پیری و حوادثی مثل آتش سوزی اشاره می‌شود اما در سایر موارد صرفاً حضور مرگ دلیل مرگ افراد معرفی می‌شود. نکته جالب این است که در این کتاب، بازکردن فضا برای تولد را از طریق مرگ دیگران می‌داند که به نوعی مرگ را لزومی برای ادامه‌ی حیات معرفی می‌کند. به تصویرکشیدن مرگ و زندگی در کنار یکدیگر در سایر صفحات نیز دلیل دیگری بر تایید لازم بودن مرگ برای زندگی است. در تصاویر کتاب؛ منظره‌ای با رنگ‌های سرد قهوه‌ای و خاکستری ترسیم شده و در متن نیز به ترس از مرگ اشاره می‌شود؛ تصاویر نیز به خوبی این حس را القا می‌کنند و دلیل آن ترس از عاقبت آن‌ها در جهان پس از مرگ و عدم آگاهی از نوع تدفینشان در این دنیا بیان می‌شود. همین منظره در صفحه بعد با رنگ‌های گرم اضافه شدن خورشید و چراغ‌های خانه که با نور زردرنگ از پنجره دیده می‌شوند و حضور پرندگانی در حال پرواز که نمادی از امید هستند در همان منظره قابل توجه است انگار تغییر نگاه ما به یک منظره می‌تواند دید متفاوتی از یک مفهوم به ما بدهد در متن نیز عشق را نامیرا و مانع ترس از مرگ می‌داند.



## ۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش با تحلیل گزیده‌ای از آثار ترجمه شده ادبیات کودک غرب و بررسی آن، نشان داد که در اکثر داستان‌ها پرداختن به مقوله‌های زیست‌شناختی و عاطفی نقش به‌سزایی دارد و به مسائل متافیزیکی ناظر به مفهوم مرگ توجه چندانی نشده است. به‌طور کلی در این پژوهش ابعاد زیست‌شناختی که به مفهوم پایان تمامی فعالیت‌های مغزی مثل بازگشت‌ناپذیری و علائم ظاهری مرگ و همچنین بعد عاطفی مرگ که شامل واکنش‌هایی در زمینه‌های احساسات، حالت‌های ذهنی و وضعیت جسمانی و رفتاری فرد در حال مرگ و هم‌چنین فرد ماتم‌زده است در کتاب‌های مورد تحلیل؛ بیش از بعد متافیزیکی مورد توجه قرار گرفته است و از آن‌جایی که بعد متافیزیک مرگ در این پژوهش به معنای ابعادی است که قابل درک برای افراد قبل از مرگ نیست و ویژگی مثل وجود روح، فرشته‌ی مرگ و عالم پس از مرگ است که بعد از مرگ یا در حالت احتضار برای متوفی قابل درک و دریافت است و در بردارنده مفاهیم انتزاعی است؛ قابل توجیه است که کمتر مورد توجه قرار گیرد هر چند که در این کتاب‌ها تلاش شده است که این مفاهیم انتزاعی را در قالب مفاهیم محسوس برای کودکان توضیح دهند. در این راستا، بسیاری از اندیشمندان نیز معتقدند که جنبه زیست‌شناختی؛ می‌تواند اساس درک مفهوم کودک از مرگ باشد و بهتر می‌تواند مرگ را قابل فهم‌تر برای کودکان کند؛ از بعد عاطفی نیز از میان عواطف مربوط به مرگ در این داستان‌ها بیشتر به احساساتی چون ترس، عصبانیت، پرخاشگری، ناراحتی و تکذیب پرداخته‌اند و البته که این احساسات قابل توجیه است چرا که؛ دوران اولیه زندگی کودکان سرشار از احساس نشاط، امید به زندگی و وابستگی است و مرگ با توجه به ویژگی‌هایی که دارد نقطه مقابل این احساسات به‌شمار می‌آید. بنابراین طبیعی است که پدیده مرگ امری ناخوشایند و ناگوار برای آنان جلوه کند و از سوی دیگر به احساس اشتیاق و تمایل به مرگ در کتاب مرگ بالای درخت سیب توجه شده است که البته این احساس بدلیل رهایی از دردهای جسمانی و ضعف بدنی و تنهایی است در واقع احساس اشتیاق به مرگ بیشتر برای کسانی است که در دوره پیری قرار دارند.

همچنین با توجه به این‌که کودکان دبستانی می‌توانند مسائل متافیزیکی را در قالب مفاهیم محسوس درک کنند دلیلی بر عدم آموزش اینگونه مسائل وجود ندارد و فقط نحوه پرداختن به آن باید متناسب با سن کودک باشد که در داستان «خداحافظ راکن پیر» و در داستان «من مرگ هستم» این اتفاق افتاده است.

نکته قابل تأمل دیگر این است که برای درک مفاهیم انتزاعی در مورد مرگ؛ فرایند گفت-وگو و تعاملی بین کودک و بزرگسال نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند چرا که بزرگسالان به راحتی می‌توانند این مسایل را در قالب مفاهیم محسوس با کودکان در میان بگذارند و مسایل را قابل فهم برای کودکان ارایه دهند که این امر در داستان «پدر بزرگ لسه می‌میرد» بسیار به چشم می‌خورد.

با در نظر گرفتن جامعه ایرانی که جامعه‌ای دینی محسوب می‌شود و تأکید اسلام در رابطه با مرگ بیشتر بر مسائلی مثل معاد، بهشت و دوزخ و سایر مسائل انتزاعی مثل روح است داستان «خداحافظ راکن پیر» و «مرگ بالای درخت سیب» نزدیک‌ترین مفهوم مرگ شناسی را با مفهوم اسلامی آن دارد این در حالی است که در برخی داستان‌ها مثل پدر بزرگ لسه می‌میرد به مسئله تناسخ که مفهومی مغایر با اسلام است؛ بیان می‌شود.

### کتاب‌نامه

- اکبرزاده، فریبا، دهباشی، مهدی، شانظری، جعفر (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل تطبیقی مرگ و رابطه آن با معنای زندگی از دیدگاه مولوی و هایدگر. *الهیات تطبیقی*، سال پنجم، شماره یازدهم، صص ۲۰-۱.
- باقری، نرگس، حمیدی، شهروز (۱۳۹۴). آگاهی یافتن از ابعاد مرگ در داستان ماتی و پدر بزرگ، *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*، سال یازدهم، شماره ۴۰، صص ۱۳۳-۱۰۵.
- بیرامی، منصور، هاشمی نصرت‌آباد، تورج، پاک، راضیه، جورینیان، افسانه (۱۳۹۸). نقش ذهن آگاهی در پیش‌بینی امید به زندگی، *پژوهش‌های نوین روانشناختی*، سال چهاردهم، شماره ۵۴/۲، صص ۹-۱.
- جامه بزرگی، مریم، مینایی، زهرا (۱۳۹۷). مقایسه مفهوم مرگ در متون داستانی فلسفه برای کودکان و دیدگاه علامه طباطبایی، *تربیت اسلامی*، سال ۱۳، شماره ۲۶، صص ۹۵-۷۳.
- حسام‌پور، سعید، مصلح، ملیحه (۱۳۹۴). مقایسه رابطه متن و تصویر در کتاب‌های داستانی تصویری برگزیده ایرانی و اروپایی آمریکایی معاصر بر پایه نظریه ماریا نیکولایوا و کارول اسکارت، *مطالعات تطبیقی هنر*، سال پنجم، شماره ۹، صص ۶۱-۴۷.
- خرسندی شیرغان، مصطفی، بهنام‌فر، محمد، مهدوی، بتول (۱۳۹۲). تاملات مرگ اندیشانه در چند متن مصورصوفیانه تا قرن پنجم هجری، *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*، سال ۹، شماره ۳۲، صص ۱۹-۱.
- رضانیا، حمید، اعتمادی‌نیا، مجتبی (۱۳۹۳). تجربه‌های نزدیک به مرگ؛ بررسی چستی و نحوه دلالت آن در اثبات حیات پس از مرگ، *پژوهش‌های ادیانی*، سال اول، شماره ۳، صص ۱۰۸-۸۹.

### بررسی مفهوم مرگ در گزیده‌ای از آثار ترجمه شده ... (فاطمه نامجو و دیگران) ۳۲۹

- شیروانی، علی، بختیار نصرآبادی، حسنعلی، حیدری، محمدحسین (۱۳۹۳). مقایسه‌ی شگردهای اعمال اقتدار و آزادی در کتاب‌های داستانی تصویری ایرانی و انگلیسی، *مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز*، سال پنجم، شماره اول، صفحه ۷۳-۹۲.
- شهرکی مقدم، الهه، (۱۳۹۵). *بررسی تطبیقی تناسخ از دیدگاه صدرالمتأهلین با تکیه بر آیات و روایات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سیستان و بلوچستان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- سعیدی، احمد، ستوده، زهرا (۱۴۰۰). کیفیت حیات پس از مرگ از دیدگاه صدرالمتأهلین. معرفت، سال سی‌ام، شماره نهم، صص ۶۱-۵۵.
- صدیقی، مصطفی (۱۳۹۲). کودک، داستان کودک و مواجهه با مفهوم مرگ: تحلیل داستان «ساداکو و هزار درنای کاغذی» بر پایه‌ی نظریه‌ی کوبلر راس، *تفکر و کودک*، دوره ۴، شماره ۸، صص ۷۳-۵۳.
- عاقلی نژاد، احمد، (۱۳۹۲). *تاثیرات تربیتی یاد مرگ در تعلیم و تربیت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- عسکری یزدی، علی، میرزایی، مسعود (۱۳۹۷). مرگ اندیشی و معنای زندگی درهایدگر، *فلسفه دین*، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۴۹-۲۵.
- عشوری، مریم (۱۳۹۵). راه کارهای آموزش مفهوم مرگ به کودکان با تکیه بر قرآن و روایات اسلامی، معرفت، سال ۲۶، شماره ۲۳۷، صص ۹۲-۸۵.
- علامه طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۹). *انسان از آغاز تا انجام*، تهران: الزهرا.
- غباری بناب، باقر، نصرتی، فاطمه، رجالی تهرانی، علیرضا (۱۳۹۳). ادراک مفهوم مرگ در خانواده و آموزش مقابله‌های کارآمد به کودکان با رویکرد اخلاقی، پژوهش‌نامه اخلاق، سال ۷، شماره ۲۳، صص ۱۴۵-۱۶۸.
- لاریجانی، باقر، مبشر، مینا، تیرگر، سمانه، زاهدی انارکی، فرزانه، تیرگر، سوده، شریعتی، فریده، کریمی، بنفشه، میرزایی، فاطمه (۱۳۹۳). جستار در برخی از مولفه‌های مفهوم‌شناسی مرگ در قرآن کریم، *اخلاق و تاریخ پزشکی ایران*، دوره هفتم، شماره ۵، صص ۳۵-۱۷.
- نثاری، غزاله، (۱۳۸۹). *آموزش مفهوم مرگ به کودکان بر اساس آموزه‌های اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی طیبه ماهرزاده، دانشگاه الزهرا.
- مرادی، ایوب، چالاک، سارا (۱۳۹۹). بررسی نقش تصاویر هنری در مواجهه منطقی مخاطب نوجوان با مفهوم مرگ براساس الگوی ساختارهای نظام تخیل از منظر ژیلبر دوران (نمونه موردی رمان آن‌سوی دریای مردگان)، *تفکر و کودک*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۲۲۷-۱۹۷.
- مهرداد، ندا، حق‌دوست اسگوویی، سیده فاطمه، سید فاطمی، نعیمه (۱۳۹۱). *تحلیل محتوای کیفی*، تهران: نشر و تبلیغ بشری.
- میرصانع، سید محمدحسین (۱۳۹۱). بررسی آثار رنگها بر روان انسان با تکیه بر قرآن و احادیث، *حدیث حوزه*، شماره ۵، صص ۱۵۶-۱۲۸.

۳۳۰ تفکر و کودک، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مودی، ریموند (۱۳۷۳). *زندگی پس از مرگ*، ترجمه شهناز انوشیروانی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.  
یالوم، اروین (۱۳۹۰). *روان‌درمانی اگزیستانسیال*، ترجمه سپیده حبیب، تهران: نشر نی.

Arruda-Colli, M. N., Weaver, M. S., Wiener, L. (2017). Communication about dying, death, and bereavement: a systematic review of children's literature. *Journal of palliative medicine*, 20(5), 548-559.

Krepia, M., Krepia, V., Tsilingiri, M. (2017). School children's perception of the concept of death. *International Journal of Caring Sciences*, 10(3), 1717-1722.

Poling, D. A., Hupp, J. M. (2008). Death sentences: A content analysis of children's death literature. *The journal of genetic psychology*, 169(2), 165-176.

